



اکبر عبدی در آن سال ها هنوز به عنوان بازیگری مطرح شناخته نمی شد و تنها در چند برنامه کودک و نوجوان مانند «محلہ برو و بیا» و «داستان ریاضی دان» حضور داشت. اما بازی در سریال «بازم مدرسه ام دیر شد» باعث شد تا به عنوان بازیگری توانا در میان عموم مردم شناخته شود. او در ۲۳ سالگی نقش این دانش آموز ابتدایی را بازی کرد

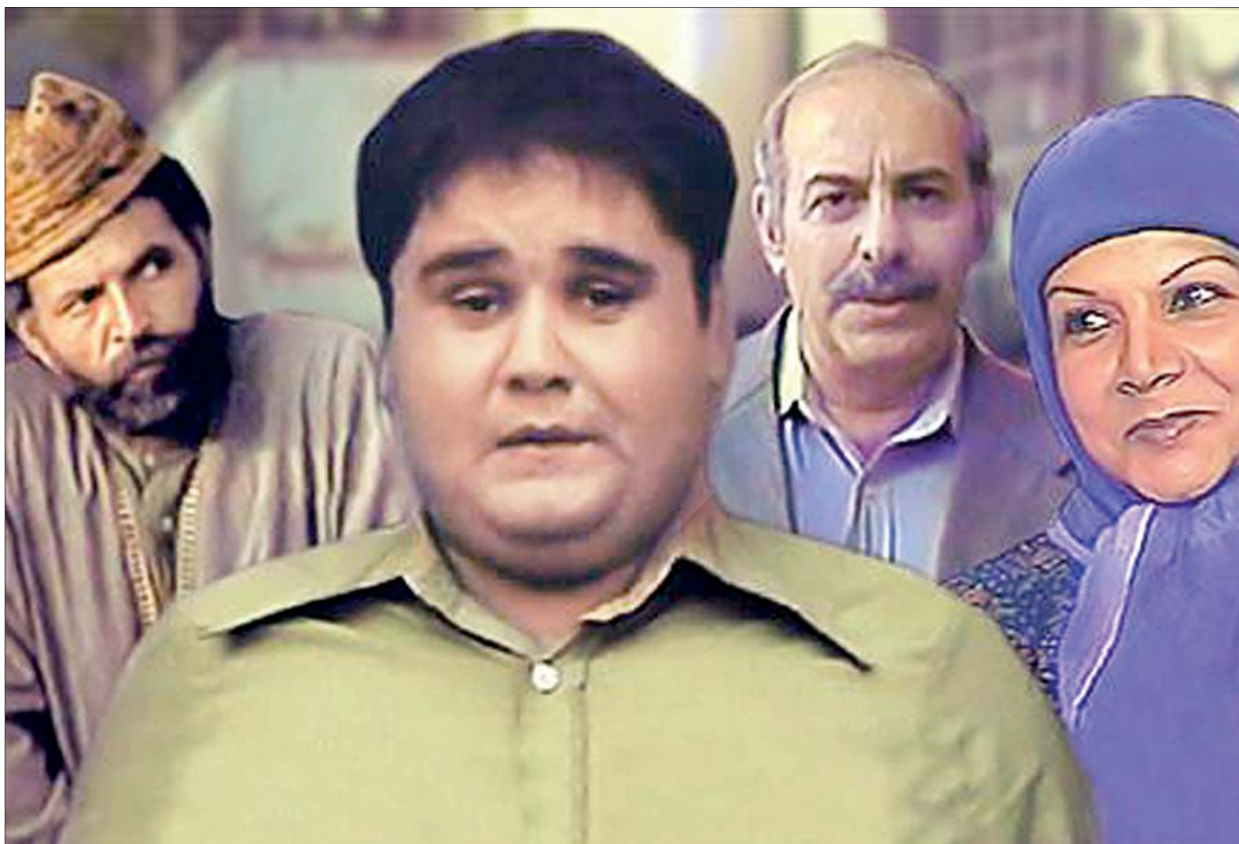
پیشکسوتان بازیگری بود و توانایی اش در زمینه بازیگری و گویندگی موجب شده بود تا بتواند این مجموعه را یک سریال قوی و قابل قبول درآورد. دختر خانم شهابی در گفت و گویی که با او انجام گرفته گفته بود: وقتی پیشنهاد بازی در سریال بازم مدرسه ام دیر شد را به مادر دادند بعد از خواندن فیلمنامه آن را پذیرفت، چون دوست داشت کاری نمایشی برای بچه ها انجام دهد. برای اولین بار بود که با آقای عبدی همبازی می شد، اما او را بسیار دوست داشت و خیلی با هم مهربان بودند.

مادر گوشت و برنج نمی خورد برای همین آقای عبدی به شوخی به مادر می گفت شما غذا تو بگیر کبابش را بده به من! او در بخش دیگری از گفت و گویش بر این نکته تاکید داشت. مادر همان گونه که در زندگی واقعی با بچه ها رفتار می کرد در سریال «بازم مدرسه ام دیر شد» با پسرش رفتار می کرد؛ مهربان و در عین حال جدی. او با مهربانی همه چیز را توضیح می داد و هیچ وقت عصبانی نمی شد. مردم خانم شهابی را در سریال «بازم مدرسه ام دیر شد»، دوست داشتند چون شبیه خیلی از مادرها بود و چون بین مردم محبوبیت زیادی داشت، بینندگان این سریال از او تاثیر می گرفتند.

#### پدری که «چه نیکو» بود

مرحوم اسماعیل داورفر نیز بازیگر و صدای پیشکسوتی بود که در نقش پدر اکبر عبدی در سریال نقش آفرینی کرد. تکیه کلامش «چه نیکو» بود و صبح ها وقتی خیلی سرخوش بود، این دیالوگ را بر زبان می آورد و اکثر وقت خود را انگار در حیاط و باغبانی می گذراند و با آن حوض وسط حیاط حال و هوای سرخوشانه صبحگاهی را به نمایش درمی آورد. او را در فیلم و سریال های زیادی به خاطر داریم و صدای اش برای بسیاری آشناست. او نیز توانست در قالب پدر محسن نقش را خوب ایفا کند. کسی که تلاش می کرد سخت گیری داشته باشد تا فرزندش بتواند سرو سامان بگیرد و با شروع مدرسه خود را به موقع به سرکلاس برساند. اما شیطنتها و سر به هوا بودن محسن باعث می شد با تمام تلاش ها باز هم به مدرسه اش دیر برسد...

نقش بچه مرشدی که قرار بود همراه با مرشد باشد و بتواند قصه ها و مسائل و مشکلاتی که مرشد مطرح می کند را با او همخوانی کند، نقش دوست داشتنی بود. مجید رزاز هم بازیگری است که سال هاست در عرصه بازیگری فعالیت می کند. هرچند همیشه به عنوان نقش های مکمل و کوتاه حضور داشته اما به عنوان بازیگری که بسیاری او را حداقل با چهره اش می شناسند مطرح است. رزاز از سال ۶۱ فعالیت حرفه ای خود را آغاز کرد و «بازم مدرسه ام دیر شد» یکی از موفق ترین کارهایش محسوب می شود.



#### خاطره بازی با دانش آموزانه ترین سریال تلویزیونی

# بازم مدرسه ام دیر شد

یکی از به یاد ماندنی ترین سریال هایی که درباره مدرسه ساخته شده و همچنان هم طرفداران خودش را دارد سریال ۱۳ قسمتی «بازم مدرسه ام دیر شد» است که اکبر عبدی با همان چهره کودکانه و جثه پیل اش توانست این باور را در میان مخاطبان سال ۶۲ و بعد از آن ایجاد کند که در آن زمان ۲۳ ساله نیست بلکه کودکی ۷-۸ ساله است که هر کار می کند نمی تواند به موقع به مدرسه برسد و همیشه زمانی به در مدرسه می رسد که آن در به رویش بسته است. محتوای این سریال را به دغدغه آن سال ها برمی گردد. دیر رسیدن به مدرسه آنقدر دغدغه و معضل بود که تلویزیون در اولین سال های بعد از انقلاب سریالی ساخت با این محتوا که چرا بچه ها دیر به مدرسه می رسند و پدر و مادرها چگونه باید این مشکل را مدیریت کنند؟

محمد وفایی  
خبرنگار

و سریال های متنوع نقش آفرینی نداشت؛ با این حال تجربه خوبی در نقالی و تئاتر خیابانی داشت. این شخصیت دارای عبا و کلاه می بود که او را شبیه به معلم مکتب خانه می کرد. چوبی هم در دست داشت که هنگام صحبت کردن و پند دادن آن را در هوا می چرخاند. قبل از شروع هر قصه «مرشد» را می دیدیم که می گفت: «حالا می ریم به خانه او تا کارهایش رو نظاره کنیم؛ بلکه بتونیم مشکلش رو چاره کنیم.»

او در گفت و گویی که درباره این مجموعه نوستالژیک چندی پیش انجام داده بود خاطر نشان کرد این سریال اصلا شعاری و گل درشت نبود. نصیحت ها در قالب اتفاقات قصه و شخصیت ها به بچه ها ارائه می شد به همین دلیل بچه ها آن را دوست داشتند.

#### مادرانه های سال های دور

اما یکی از نقش های دوست داشتنی و باورپذیر در این سریال را زنده یاد مهین شهابی بر عهده داشت. نقش مادری مهربان، دلسوز و در عین حال جدی که نشان می داد می تواند الگوی خوبی برای مادران آن زمان باشد. مهین شهابی در همان دوران هم از

فراموش نمی کند. او چندی پیش در گفت و گویی گفته بود: سریال «بازم مدرسه ام دیر شد» اگر برای بینندگانش نوعی نوستالژی است باید بگویم برای من یک یادگاری به یاد ماندنی و شاید خود زندگی است. آنقدر این سریال را دوست دارم که همیشه دلم می خواست یک بار دیگر فیلم یا سریالی به همین اندازه محبوب مردم بازی کنم تا مردم بار دیگر به همان اندازه بازیگری ام را دوست داشته باشند.

اکبر عبدی در آن سال ها هنوز به عنوان بازیگری مطرح شناخته نمی شد و تنها در چند برنامه کودک و نوجوان مانند «محلہ برو و بیا» و «داستان ریاضی دان» حضور داشت. اما بازی در سریال «بازم مدرسه ام دیر شد» باعث شد تا به عنوان بازیگری توانا در میان عموم مردم شناخته شود.

#### گل درشت نبود

مرشد در این سریال در قالبی طراحی شده بود که بتواند در قالب مرشد و بچه مرشد نکات آموزشی و نصیحتی را به صورت غیرمستقیم منتقل کند. این نقش به عنایت شفیعی محول شد. کسی که در آن زمان بازیگری تازه کار بود و هنوز آنقدرها در فیلم

در این سریال علاوه بر اکبر عبدی که به عنوان محسن شناخته می شد بازیگران مطرح دیگری نیز حضور داشتند که برخی از آنها در طی گذشت سال ها از بین ما رفته اند. زنده یاد مهین شهابی، مرحوم اسماعیل داورفر، عنایت... شفیعی و مجید رزاز از جمله بازیگرانی هستند که در این سریال نقش آفرینی کردند. سریالی به کارگردانی حسین افصیحی و تهیه کنندگی مهناز جهانگیری که از شبکه اول سیما پخش می شد. زنده یادان مهین شهابی و اسماعیل داورفر در نقش پدر و مادر محسن حضور داشتند و عنایت... شفیعی و مجید رزاز در نقش مرشد و بچه مرشد که توانسته بودند در نقش هایی که داشتند حس خوبی را به مخاطبان خود القا کنند.

#### تجربه ای به یاد ماندنی برای اکبر عبدی

اکبر عبدی اصلی ترین بازیگر این مجموعه که توانست در طی چهار دهه فعالیت هنری اش استعداد خود را در این حوزه به خوبی به رخ بکشد در گفت و گوهایی که با او صورت می گیرد همیشه از این سریال به عنوان دوست داشتنی ترین بازی اش یاد کرده و می گوید هیچ وقت آن را

